



انتقادهای پزشکیان فرصت است

حمیدرضا جلالی پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره ضرورت نقد و کنشگری سیاسی سخن گفت که در ادامه می‌خوانید.

انتقادهای دولت در این مدت گاهی از قالب نقد خارج شده و حالت هجمه به خود گرفته، چقدر از این انتقادهای کنشگری سیاسی باید در نظر گرفت و چقدر واکنش احساسی است؟

درست است. اگر به انتقادهای درست پاسخ داده نشود، طبیعی است که به هجمه تبدیل می‌شود. ببینید این انتقادهای از چه زمانی اوج گرفت؛ زمانی که پزشکیان لیست وزیرانش را به مجلس تقدیم کرد منتقدین از وزرای کشور، آموزش و پرورش و ورزش تعجب کردند. البته ده تا از وزرای او خیلی کیفی و قابل دفاع‌اند و محصول کمیته‌ها و شوراهای مشورتی‌اند. اما انتخاب آن سه نفر برای کثیری از کنشگران حامی پزشکیان غیرمنتظره بود. مضافاً در همین زمان هم جواد ظریف که ستاره همراهمان پزشکیان بود، استعفا داد و قصه نگرانی‌ها تشدید شد. البته منتقدان پزشکیان دو نوع هستند و شایسته است آقای پزشکیان حداقل حرف منتقدین نوع اول را جدی بگیرد و آنها گروهی هستند که کنشگری سیاسی و دلسوز دولت پزشکیان هستند و در واقع سرمایه دولت او حساب می‌شوند و انتظار معرفی این سه نفر را نداشتند. نوع دوم منتقدینی هستند که اصلاً به اثربخشی انتخابات با شرایط موجود سیاسی (یعنی در شرایطی که سیستم سیاسی مشکلات ساختاری دارد) امید نداشتند و چه‌بسا در انتخابات هم شرکت نکردند اما الان می‌گویند دیدید گفتیم که پزشکیان نمی‌تواند و یا حکومت به او اجازه تغییر نمی‌دهد و آیه یأس می‌خوانند. با این همه اولاً تا سه‌شنبه هفته دیگر باید صبر کرد و دید همه اعضای کابینه از مجلس رای اعتماد می‌گیرند یا نه؟ اگر همه اعضای کابینه رای بیابوند نقد ناقدان گروه دوم زیاد شنیده نخواهد شد. ثانیاً باید دید این دولت در عمل چکاری می‌کند، و بعد به نقاط قوت و ضعف دولت پرداخت. ثالثاً پزشکیان به هر قیمت نباید با استعفای ظریف موافقت کند. ظریف‌نماد «هوشمندی، تغییر، انعطاف، مردمی‌بودن و امید دادن به مردم» بود.

نحوه برخورد رئیس‌جمهور به این کنشگری سیاسی با انتقادهای چگونه باید باشد؟

بله، نهایتاً تصمیم‌گیرنده پزشکیان است نه دیگر کنشگران، اما او در جریان تبلیغات انتخابات دو قول به مردم داد. قول اول اینکه با حکومت دعوا ندارد و می‌خواهد تعامل و کار کند و تاکنون این بخش را خوب انجام داده. قول دوم به مطالبات و محرم دانستن مردم بود و او وعده تغییر داد. در این بخش کار پزشکیان می‌لنگد و از وقتی که رای آورده با رسانه‌ها گفت‌وگویی نداشته است. تا حالا این مشکل را جواد ظریف با مصاحبه‌هایش حل می‌کرد. حالا که ظریف استعفا داده این بخش کار پزشکیان روی زمین است.

آیا منتقدین در یک کنشگری سیاسی در حال انتقاد هستند و یا اینکه سهم خواهانی هستند که به خواسته‌های خود در این دولت تاکنون نرسیده‌اند؟

سهم خواهی بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌ورزی است. کسبه در بازار به دنبال سود و پول هستند. کنشگران سیاسی هم از طرق قانونی دنبال گرفتن پست‌ها برای خدمت هستند. درست است که کنشگران «برای ایران» سیاست‌ورزی می‌کنند اما آن‌ها انتظار دارند افراد شایسته و مناسب برای خدمت به ایران به کار گرفته شوند. وزارت کشور، آموزش و پرورش و ورزش و جوانان و پرترین دولت هستند. لذا شایسته است آقای پزشکیان به کنشگرانی که برای پیروزی او تلاش کردند برای تصمیماتش پاسخ در خوری دهد. مثلاً اگر پزشکیان نتواند ظریف را در خدمت دولتش حفظ کند، چگونه می‌تواند پاسخگوی سایر کنشگران پرتوقع‌تر باشد؟ توجه داشته باشید این خطا در دولت حسن روحانی هم رخ داد. وقتی او رای آورد، به تقاضاهای بدنه انتخاباتی و سیاسی خود توجه نکرد و به تدریج دولتش ضعیف شد، و اصول گرایان خالص ساز هم به حسن روحانی رحم نکردند.

نامیدی در پی این چنین کابینه ایجاد شد این نامیدی و انتقاد در پی آن چقدر درست است و کنشگری بدون تضمین را چقدر مسئولانه می‌دانید؟

در بالا اشاره کردم. انتقاداتی که هم‌اکنون به سه نفر از لیست دولت پزشکیان می‌شود، در واقع برای پزشکیان یک فرصت و نقد رحمت است. امیدوارم سه‌شنبه همه کابینه او رای بیابوند، و ایشان هم جواد ظریف را برگرداند بلکه به ظرفیتهای کابینه دولت بیافزاید؛ دولتی که نتواند بدنه اجتماعی رای‌دهندگان و حامیان سیاسی خود را حفظ کند، در اداره جامعه با مشکلات زیادی روبرو می‌شود.



عکس: ایرنا

هم کنشگری هم انتقاد

ارزیابی تحلیلگران از نسبت حضور در انتخابات و طرح انتقادات از دولت پزشکیان

«دولت وفاق ملی» عبارتی بود که پزشکیان نخستین بار پس از پیروزی در انتخابات به آن اشاره کرد. وی یک روز پس از پیروزی در مرحله دوم انتخابات در بیانیه خود اعلام کرد که از این‌سپس به دنبال پیشبرد گفت‌وگو، همکاری و وفاق ملی در حکومت برای بازگشت به مردم و اهتمام به مسائل جامعه‌در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خواهد بود؛ «من در پی آن هستم که با تفاهم و همکاری همه ارکان حاکمیت، مجلس و قوه قضائیه تنش و واگرایی را از نهاد سیاست و حکمرانی دور کنم». اما او حالا در معرض انتقادات جدی و اساسی است. از اظهارنظرهای شخصی افراد و شخصیت‌های سیاسی گرفته تا تذکر گلایه‌آمیز جبهه اصلاحات، نگرانی افراد و گروه‌ها از تصمیمات رئیس‌جمهوری که به گفته اطرافیان او مردی لجباز، جسور و صادق است بالا گرفته است. محمد فاضلی که از طرفداران اروپاقرص او بود در انتقاد به برخی اسامی نوشته بود که داشتن اسمی از همه کابینه‌ها، توافق‌سازی یا ساختن دولت وفاق ملی نیست و سرمایه‌های اجتماعی با شایند

بازگشت به عدالت گم‌شده و تأمین آزادی‌های محدود شده و رفع موانع پیشرفت همه‌جانبه ایران، اصلاح رویکردهای نادرست و رویه‌های نامناسب حکمرانی در جهت خواست و رضایت عموم مردم گام بر خواهد داشت که در انتخاب و اعلام برخی وزرا از جمله وزیر آموزش و پرورش، وزیر کشور و وزیر اطلاعات رنگ باخت و همین سه انتخاب صدای معترضان را بلندتر کرد و آنها را با این پرسش انتقادی اساسی روبرو کرد که چطور می‌شود به دنبال تأمین آزادی بود و از چنین کابینه‌ای رونمایی کرد؟ او در زمان تبلیغات انتخابات با صراحت صحبت کرده بود، مواضع خود را محکم بیان کرده و زمانی که انتخابات به دور دوم رسید، به تشریح دلایل عدم مشارکت مردم در انتخابات هم پرداخت: «همه دیدیم در مرحله اول انتخابات حدود ۶۰ درصد مردم نیامدند، بسیاری از آنان از صندوق رای خود را کنار کشیدند، چون نمی‌خواستند مشارکت‌شان را مصادره به مطلوب کنند.» (بخشی از سخنان مسعود پزشکیان در تبلیغات دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم)



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

نقد به دولت چهاردهم، با فاصله اندکی از انتخاب مسعود پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب آغاز شد. اصلاح‌طلبان او را روزنه امیدی برای بازگشت خود به قدرت و عبور از حاکمیت جریان تندرو خالص‌سازی که اداره کشور را برعهده داشت می‌دانستند. انتقادهای او ابتدا از خبرهایی که از شورای راهبری و لابی‌هایی که برای معرفی افراد خاص به او مطرح می‌شد آغاز شد و پس از ارائه لیست اعضای کابینه به اوج خود رسید. پزشکیان در زمان تبلیغات آنچنان در مقابل جریان تندرو حاکم ایستاده بود که کسی فکرش را نمی‌کرد با چنین کابینه‌ای روبرو شود. او پس از پیروزی در دور اول انتخابات وعده داده بود برای

علی بیگدلی استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی:

خلأ نقد سیاسی و ساختاری منجر به بحران می‌شود

اما در اروپا به دلیل اینکه نقد سیاسی ساختار یافته است هیچ‌وقت چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد، اما ما به دلیل دو خلأ که در نقد سیاسی و ساختاری داریم همیشه دچار بحران می‌شویم. از طرفی نیز سیاست خارجی به گونه‌ای تعریف شده که کابینه هیچ کدام از دولت‌ها استقلال عمل را نداشتند و خود رئیس‌جمهور و اعضای کابینه قادر نیستند یک سیاست مستقل داشته‌باشند. مسئله بعدی این است که کابینه آقای پزشکیان یک کابینه ترکیبی است. در درون کابینه با این ترکیب قطعاً اختلاف‌نظرهای عمیقی وجود خواهد داشت و این ناسازگاری ظاهراً به دلیل این بوده که دل همه آن‌هایی که در تنظیم روابط داخلی و خارجی دخالت دارند را به دست آورند اما به نظر من ترکیب نامتناسبی حتی برای مدیریت کردن است.

همه معتقدند که «در نهایت رئیس‌جمهور تصمیم‌گیرنده است، اما ایشان هم نسبت به حرف‌هایی که در دوران تبلیغات گفتند مسئول هستند و بخشی از عملکرد ایشان ناشی از آن حرف‌ها نیست»؛ فکر می‌کنید نحوه برخورد رئیس‌جمهور با این انتقادهای چگونه باید باشد؟

رئیس‌جمهور زمانی که وارد مبارزات انتخاباتی می‌شود بیرون از

علی بیگدلی، استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی معتقد است همه رؤسای‌جمهور در ایران در چارچوب ایدئولوژی حاکمیت حرکت می‌کنند و به همین دلیل صحبت‌های آن‌ها قبل و بعد از ورود به سیستم ممکن است فرق داشته باشد. او در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره کنشگری سیاسی و انتقاد به کابینه سخن گفت که در ادامه می‌خوانید.

پس از روی کار آمدن مسعود پزشکیان و تشکیل شورای راهبری انتقادات فراوانی به لابی‌های سیاسی و سهم خواهی‌ها و در ادامه نیز کابینه معرفی شده از سوی او مطرح شده است. این نقدها چقدر سمت و سوی کنشگری سیاسی دارند و چقدر واکنش‌های احساسی هستند که از سوی بخشی از مردم و فعالان سیاسی برانگخته شده است؟

یکی از مشکلات اساسی ما نبود یک استراتژی است که موجب می‌شود هر گروه و جمعیت و حزبی نسبت به رویدادهای اظهار نظر کنند و این باعث لنگی حرکت می‌شود. از طرفی نیز جامعه ما فاقد یک ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ما با ساختار حرکت نمی‌کنیم، بلکه با تغییر آدم‌ها حرکت می‌کنیم و نبود یک ساختار منظم و اثبات‌شده باعث می‌شود گروه‌ها و افراد شاید بی‌ارتباط با مسائل سیاسی هم در ارتباط با مسائل سیاسی اظهار نظر کنند و این موجب کندی حرکت سیاسی شود. در واقع ما با دو مشکل روبرو هستیم، اول، نبود یک استراتژی تنظیم‌شده و همچنین نبود یک ساختار منظم سیاسی و اقتصادی و جامعه ما را از ابتدای انقلاب دچار یک سرگردانی و بلاتکلیفی کرده است که در هر دوره‌ای و در زمان هر رئیس‌جمهوری این چنین چالش‌هایی داریم. در حالی که اگر به کشورهای غربی نگاه کنید، اگر چه در آمریکا نیز اخیراً این چنین شده



چارچوب‌های نظام اظهار نظر می‌کند و وعده‌هایی می‌دهد، اما زمانی که فرمان ریاست را به دست بگیرد باید درون نظام کار کند و ناچار است چارچوب‌های نظام را رعایت کند و در درون نظام با دیوارهای سخت و سنگینی مواجه است. از آنجایی که سیستم ما فاقد دستورالعمل‌های تنظیم شده است، در نتیجه هرکسی که وارد می‌شود ناچار است در قالب‌های موجود شکل بگیرد و کار کند.

پس می‌توانیم این حق را به عده‌ای بدهیم که در زمان تبلیغات معتقد بودند حرف‌هایی زده می‌شود که در زمان اجرا به آن‌ها عمل نمی‌شود و به همین دلیل عده زیادی در انتخابات شرکت نکردند. آیا می‌توانیم این را قبول کنیم که این نقطه‌نظر و انتقاد به حاکمیت و شخص رئیس‌جمهور قابل پذیرش است؟

ما در ساختار سیاسی و نوع ایدئولوژی حاکم بر این ساختار در دنیا نمونه هستیم و چون ما در چارچوب ایدئولوژی حرکت می‌کنیم، ناچاریم منافع ملی را فدای مصالح مختلف کنیم و این کار را برای ما مشکل کرده است. بنابراین باید انتقادات را بتوان با این شرایط مقایسه کرد که همه خارج از نظام اظهار نظرهایی کردند، آقای روحانی هم این کار را کردند و زمانی که وارد مسئولیت شدند دیدند که دیگر نمی‌توانند بر اساس ادعاهایشان عمل کنند و رئیس‌جمهور اگر بخواهد رئیس‌جمهور بماند ناچار است که این کار را بکند و ما دیدیم که در دور دوم ریاست‌جمهوری آقای روحانی ایشان با مشکلاتی مواجه شد و آقای خاتمی هم همینطور. بنابراین کسانی که رئیس‌جمهور می‌شوند باید بپذیرند وقتی وارد سیستم می‌شوند به ناچار همسو عمل می‌کنند و اعتراضاتی که حتی اصلاح‌طلبان به رئیس‌جمهور

دارند شاید مقداری بجا باشد؛ برای مثال کسی نمی‌تواند بگوید آقای خطیب نباشد چرا که او را رهبری تعیین می‌کند. به قول آقای پزشکیان به دنبال وفاق ملی هستند و اگر به دنبال وفاق ملی هستیم این کابینه همان وفاقی است که از آن سخن گفته است. اما اداره

